

# نقش عدالت جغرافیایی در شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی و تحریم‌ها

سعید سام دلیری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

محمود جلالی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

احمد محمدی

استادیار حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

## چکیده

به دنبال گسترش یکنواخت نظارت‌های تجاری که در سال‌های اخیر از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی اعمال شده است؛ حل و فصل خصوصی اختلافات تجاری فرامرزی با مشکلات و چالش‌های جدیدی مواجه شده است. یکی از این اقدامات، اعمال تحریم‌های بین‌المللی بوده که از جمله در مورد کشور ما نیز به کرات مورد استعمال قرار گرفته است. با توجه به وقوع این تحریم‌ها، قطعاً قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین طرفین تحریم شده و سایر افراد تحت الشعاع قرار گرفته و در موارد بسیاری اجرای آن‌ها را با مشکل و یا حتی غیرممکن مواجه می‌سازد. در مقاله حاضر با توجه به قواعد داوری محاکم داوری تجاری بین‌المللی از جمله اتاق بازرگانی بین‌المللی، دادگاه داوری لندن و هم چنین کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط به ویژه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالاها به این سؤال پاسخ خواهیم پرداخت که تحریم‌ها چه تأثیری بر داوری تجاری بین‌المللی دارد؟ نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت است که تحریم‌ها به پنج صورت بر داوری تجاری بین‌المللی تأثیر می‌گذارد: تأثیرات بر داوران، تأثیرات بر محاکم داوری بین‌المللی، تأثیرات بر اجرای آرای داوری بین‌المللی، تأثیرات بر حقوق قراردادها و نهایتاً تأثیرات بر طرفین قرارداد. هم چنین دولت‌های تحریم کننده عموماً به منظور توجیه قانونی تحریم‌های یکجانبه، این تحریم‌ها را به عنوان یک قاعده سیاست عمومی در جریان داوری‌های تجاری بین‌المللی مورد استناد قرار داده‌اند.

کلمات کلیدی: فورس ماژور، شیوه جایگزین حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، تحریم، داوری تجاری بین‌المللی، سیاست عمومی، داور پذیری، عدالت جغرافیایی.

واقعیت این که بسیاری از کشورها به منظور پیشبرد منافع ملی خودشان به تحریم‌های اقتصادی و تجاری یکجانبه و بین‌المللی متوسل می‌شوند، این واقعیت را منعکس می‌نماید که علی‌رغم لفاظی‌های پرطمطراق بر تجارت آزاد بین‌المللی و مزیت نسبی ناشی از آن، هم‌چنان دولت‌ها مهم‌ترین بازیگران در روابط اقتصادی بین‌المللی و فرآیند جهانی شدن هستند. (Bagheri, 2000: 84) از سوی دیگر، اگرچه صحیح است که قسمت‌های عمده‌ای از داوری تجاری بین‌المللی در محیط بین‌المللی صورت می‌گیرد اما دولت‌ها دو نقش مهم در دو حوزه مختلف داوری تجاری بین‌المللی ایفاء می‌نمایند: (۱) استفاده از قوانین داخلی در روند داوری؛ (۲) استفاده از دادگاه‌های داخلی برای نظارت بر فرآیند داوری و اجرای آرای داوری. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه داوری تجاری بین‌المللی، اساساً یک روش خصوصی حل و فصل اختلافات فرامرزی تجاری است، این ساز و کار در سایه دادگاه‌های داخلی فعالیت می‌نماید. (Lynch, 2003: 169)

به دنبال گسترش یکنواخت نظارت‌های تجاری که در سال‌های اخیر از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی اعمال شده است؛ حل و فصل خصوصی اختلافات تجاری فرامرزی با مشکلات و چالش‌های جدیدی مواجه شده است. تحریم‌های اقتصادی، یک ابراز سیاست خارجی بوده که به صورت گسترده از سوی دولت‌ها به کار گرفته می‌شود و از تأثیر قابل توجهی بر روی اجرای حقوق و تعهدات قراردادی طرفین برخوردار است. در زمینه اختلافاتی که در ارتباط با این چنین قراردادهایی مطرح می‌شود، عملکرد نهاد داوری بین‌المللی نیز متأثر می‌گردد. نظارت‌های صادراتی و تحریم‌های تجاری می‌تواند به صورت غیر مستقیم نیز بر نهادهای داوری و داورانی که تحت آن‌ها عمل می‌نمایند؛ تأثیر بگذارد. تمامی بازیگران نهادی مورد نظر، با چالش به اجرای فرآیندهای اداری جدید در مدیریت جریان داوری‌ها و حفظ سطح مذاکرات با مقامات مورد نظر به منظور تضمین دسترسی کامل به عدالت برخوردارند. ضرورت دارد تا داوران در زمانی که در حین رسیدگی به یک تحریم تجاری و اقتصادی بین‌المللی مواجه می‌شوند، به دقت گام بردارند. این امر به ویژه از آن جهت مهم می‌نماید که تحریم‌های تجاری بین‌المللی می‌تواند تأثیر مستقیمی نیز بر شناسایی و اجرای آرای داوری بر مبنای شقین الف و ب بند ۲ ماده پنج کنوانسیون نیویورک داشته باشد.

## تعاریف

### تحریم‌های تجاری بین‌المللی

از آن جا که تحریم‌های بین‌المللی در زمینه داوری بین‌المللی صرفاً تجارت آزاد را نشانه می‌گیرد؛ در این جا به مفهوم تحریم‌های تجاری بین‌المللی پرداخته می‌شود. در این تحریم‌های تجاری بین‌المللی به عنوان ممنوعیت‌های دولتی بر تجارت با دولت دیگر به دلایل مربوط به روابط خارجی و در واکنش به اقدامات غیرقانونی یا ناخواسته دولت اخیر یا در معنای کلی‌تر به عنوان اقداماتی که به هدف جلوگیری از جریان کالاها یا خدمات به کشور مورد تحریم یا از مبداء آن تعریف شده است. از این رو، تحریم‌های تجاری بین‌المللی شامل ممنوعیت‌هایی هم بر واردات و هم صادرات شده که از سوی یک دولت علیه دولت دیگر وضع می‌شود. به همین دلیل، تحریم‌های تجاری شامل

اقدامات تلافی جویانه از جمله تحریم‌های متقابلی نیز خواهند شد که از سوی دولت مورد تحریم به منظور واکنش به اقدامات تجاری مربوطه صورت می‌پذیرد.

تحریم‌های تجاری بین‌المللی به همراه تحریم‌های مالی که در صدد مانعیت در جریان منابع مالی یا اقتصادی و اقداماتی از جمله مسدود کردن دارایی یا اختلال در تأمین مالی یا تجاری می‌باشد، بخشی از تحریم‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. تمامی تحریم‌های اقتصادی به منظور اعمال فشار اقتصادی بر روی دولت دیگر و ایجاد تغییرات سیاسی در رفتار آن صورت می‌پذیرد.

در کنار تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی و یکجانبه، نوعی دیگر از اقدامات سیاسی از جمله تحریم‌های دیپلماتیک، تحریم‌های مسافرتی و اقداماتی وجود دارند که بر حمل و نقل بین‌المللی کالاها تأثیر می‌گذارد و از سوی یک دولت به منظور تحقق هدف مورد نظر سیاسی اعمال می‌گردد. تحریم‌های تجاری بین‌المللی یا جامع بوده که تمامی جریان‌های کالاها و خدمات به مقصد یا از مبدأ کشور مورد تحریم را تحت الشعاع قرار می‌دهد یا تحریم‌های خاص بوده که تنها بخشی از کالاها و خدمات وارداتی و صادراتی به کشور مورد تحریم را مورد نظر قرار می‌دهد. بسیاری از تحریم‌های تجاری بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد و حتی سازمان‌های منطقه‌ای چون اتحادیه اروپایی، بسیار محدود بوده به این معنا که تنها بخش‌های بسیار محدودی از کالاها و خدمات از جمله کالاهای مرتبط با انرژی هسته‌ای را در برمی‌گیرد. بنابراین، تأثیرات حقوقی تحریم‌های تجاری بین‌المللی و تأثیر آن‌ها بر حل تعارض قوانین، می‌تواند در نظام‌های مختلف تحریمی متفاوت باشد. تحریم‌های تجاری بین‌المللی بر حسب زمان انعقاد قرارداد نیز می‌توانند به تحریم‌های لاحق و سابق تقسیم شوند. تحریم‌های لاحق، تحریم‌هایی هستند که پس از انعقاد قرارداد یا در هنگام آن وضع شده‌اند و تحریم‌های سابق، تحریم‌هایی هستند که در زمانی که پس از آن که لازم الاجراء شده‌اند؛ قرارداد فی‌مابین طرفین منعقد شده است.

در بسیاری اوقات، به علاوه ممنوعیت صادرات یا واردات کالاها یا خدمات، تحریم‌های تجاری بین‌المللی طرح هر گونه ادعا در مورد آن تحریم‌ها را که اغلب شامل شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی نیز می‌گردد؛ ممنوع می‌سازد. در این زمینه می‌توان به دستورالعمل No 692/2014 مورخه ۲۳ مارس ۲۰۱۴ اتحادیه اروپایی در مورد ممنوعیت واردات کالاها و خدمات که مبدشان کریمه بوده است یا دستورالعمل شورای اتحادیه اروپایی No 267/2012 مورخه ۲۳ مارس ۲۰۱۲ در مورد ممنوعیت تجارت فناوری‌های هسته‌ای با ایران اشاره نمود. هم چنین دستورالعمل No 833/2014 مورخه ۳۱ جولای ۲۰۱۴ میلادی شورای اتحادیه اروپایی راجع به تحریم‌های بخشی بر روی فناوری‌های نفتی و تحریم‌های تسلیحاتی علیه روسیه را می‌توان مورد اشاره قرار داد که هر گونه ادعای راجع به ارجاع به داوری بین‌المللی را در این بخش‌ها ممنوع ساخته با این حال مقرر نمی‌دارند که آیا اجرای آرای داوری، در معنای دستورالعمل مربوطه یک ادعا محسوب می‌شود یا نه.

### داوری تجاری بین‌المللی

آن چه در این جا مورد بحث است داوری تجاری بین‌المللی است که هیچ یک از مقررات داوری تعریفی از آن ارائه نکرده است، اما آن چه مسلم است این است که این نوع داوری واجد دو خصیصه تجاری و بین‌المللی است و با

لحاظ این نکات باید از آن، تعریفی ارائه داد. (Tavasoli Naeeni, 2014:64) فلذا می‌توان گفت: داوری تجاری بین‌المللی عبارت است از شیوهی حل و فصل یک موضوع مورد اختلاف مربوط به روابط تجاری بین‌المللی بین دو یا چند شخص توسط یک یا چند نفر دیگر به عنوان داور که اختیار و صلاحیت خود را از یک قرارداد خصوصی اخذ می‌کند. (Zare and Salimi, 2015:67) در خصوص نحوه تشخیص داوری تجاری بین‌المللی، ملاک قابل اعتمادی نمی‌توان ارائه کرد. ممکن است از نظر سیستم قضایی یک کشور، داوری یک عنصر خارجی باشد. هم چنین است فرضی که در آن، اصحاب دعوی نسبت به کشور محل داوری، بیگانه‌اند (Yazdi, 2015:122 Olomi) قانون نمونه آنسیترال و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶، معیارهایی را برای بین‌المللی تلقی کردن یک رابطه حقوقی بیان کرده‌اند. بند ۳ ماده یک قانون نمونه مقرر می‌دارد: داوری در صورتی بین‌المللی است که الف) مرکز اقامتگاه اصلی طرفین موافقت‌نامه داوری در زمان انعقاد آن کشورهای مختلف باشد؛ یا ب) یکی از محل‌های زیر، خارج از کشوری باشد که مرکز فعالیت طرفین در آن کشور واقع است: ۱) محل داوری در صورتی که در موافقت‌نامه داوری تصریح یا به موجب آن تعیین شده باشد؛ ۲) هر محلی که قسمت اساسی تعهدات ناشی از روابط تجاری بایستی در آن محل اجراء شود؛ ۳) طرفین صریحاً توافق کرده باشند که موضوع اصلی موافقت‌نامه داوری به بیش از یک کشور ارتباط دارد. (Amiri, 2002:10)

#### تحریم‌ها و ارتباط آن‌ها با داور پذیری و سیاست عمومی

##### تحریم‌ها و داور پذیری اختلاف

صلاحیت و حدود آن برای یک نهاد داوری، در وهله اول به موجب توافق طرفین یا قید ارجاع به داوری در قرارداد فی‌مابین مشخص می‌گردد. به لحاظ تاریخی، قبل از این که داوری تجاری بین‌المللی به عنوان یک امر مطلوب مورد پذیرش جهانی قرار بگیرد، بحث‌هایی در این مورد وجود داشت که آیا مسائل خاص حقوقی قابلیت آن را دارند تا از طریق داوری حل و فصل شوند یا این که بایستی این موضوعات به محاکم قضایی داخلی سپرده شود. یکی از این مسائل، تحریم‌های بین‌المللی بوده است. در طول قرن بیستم میلادی، دامنه داور پذیری به طور پیوسته افزایش پیدا نموده به گونه‌ای که این امر را محتمل تر ساخته که موضوعات مربوط به تحریم‌های بین‌المللی بتواند در معرض داوری تجاری بین‌المللی قرار بگیرد. این رویکرد در چندین رای اخیر داوری بین‌المللی انعکاس یافته است از جمله می‌توان به رای ۶۷۱۹ اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC Award 6719) و رای دیوان فدرال سوییس در قضیه BGE 118 اشاره نمود. هم چنین، محتمل است که قانون یک دولت خاص که قابل اعمال به یک داوری خاص است در نتیجه اعمال تحریم‌های بین‌المللی، اختلافی را غیر قابل ارجاع به داوری تشخیص دهد از جمله دادگاه استیناف ژنو در قضیه فینکانتیری - کانتیری ناوالی ایتالیایی اسپا (ایتالیا) در مقابل وزارت دفاع عراق (Fincantieri - Cantierri) (Navali Italiani SPA (Italy) v. Ministry of Defense of Iraq). دادگاه در این قضیه نتیجه گرفت که اختلافات داوری راجع به تحریم‌های سازمان ملل متحد، قابل ارجاع به داوری نبوده و بر روی اختلاف مربوطه اعمال صلاحیت نمود. با این حال، امروزه این امر پذیرفته شده است که موضوعات مربوط به تأثیرات قراردادی تحریم‌های بین‌المللی، قابلیت تصمیم‌گیری از سوی داوری بین‌المللی را دارد.

##### تحریم‌های بین‌المللی و سیاست عمومی داخلی

مساله تحریم‌های بین‌المللی و سیاست عمومی داخلی، از آن جا واجد اهمیت است که همواره در روند داوری‌های تجاری بین‌المللی، به منظور مشروعیت تلقی نمودن تحریم‌ها بین‌المللی، آن‌ها به عنوان یک امر سیاست عمومی داخلی مدنظر قرار گرفته اند. البته این موضوع اختصاص به دولت‌ها نداشته بلکه در سطح سازمان‌های بین‌المللی نیز دیده می‌شود. در قضیه اکو سوییس، دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی رای داد که ماهیت سیاست عمومی برخی از قواعد حقوقی می‌تواند حداقل در بخشی از این واقعیت استخراج شود که این قواعد برای تحقق وظایفی که به جامعه اروپایی تفویض شده است و به ویژه در زمینه عملکرد بازار داخلی، ضروری می‌باشد. در قضایای ماستروزا کلارو و آستروکام نیز همین نظریه مورد تایید قرار گرفت و تصریح گردید که برخی از قواعد حمایت از مشتریان می‌بایستی به عنوان سیاست عمومی جامعه اروپایی مدنظر قرار بگیرد به این دلیل که آن‌ها برای تحقق مسئولیت‌هایی که به جامعه اروپایی و به ویژه در زمینه ارتقای استاندارد زندگی و کیفیت حیات در قلمروی سرزمینی ضروری می‌باشند. نویسندگان اروپایی نیز استدلال نموده اند که مسائل مربوط به حفاظت از نیروی کار و محیط زیست به علاوه ایمنی و بهداشت در اتحادیه اروپایی به عنوان مسائل سیاست عمومی مدنظر قرار می‌گیرند.

#### ابعاد تأثیر گذاری عینی تحریم‌ها بر داوری تجاری بین‌المللی

برای توجه به تأثیر تحریم‌ها بر داوری تجاری بین‌المللی، آثار تحریم‌ها را باید به سه بخش تقسیم نمود:

#### تحریم‌ها به عنوان یک مساله حقوق قراردادها

تحریم‌ها می‌توانند بسته به ماهیت و حقوق حاکم قراردادی شان، مقررات خاصی از جمله فورس ماژور را مدنظر قرار داده و دکتین‌هایی چون حق فسخ برای طرف متضرر را برانگیزند. با این حال، تأثیر حقوقی تحریم‌ها می‌تواند حداقل تا بخشی در متن آن‌ها مندرج شود. برای نمونه، تحریم‌های اتحادیه اروپایی بر علیه روسیه:

۱. طرفین را مجاز می‌نماید تا خودشان را از اجرای تعهدات قراردادی شان معاف نمایند (ن. ک به بند ۵ ماده

۲ تصمیم شورای اتحادیه اروپایی 2014/145/CFSP)

۲. طرفین را ذی حق می‌نماید تا در مواردی که ایفای تعهدات قراردادی، در نتیجه تحریم‌ها تعلیق یا خاتمه

یافته است، مدعی دریافت غرامات شوند. (ن. ک به بند ۱ ماده ۱۱ دستورالعمل اتحادیه اروپایی

(۲۰۱۴/۸۳۳)

۳. یک طرف را از مطالبه رسیدگی قضایی به این که عدم ایفای تعهدات قراردادی با تحریم‌ها منطبق می‌باشد

یا نه؛ ممنوع می‌سازد. (ن. ک به بند ۳ ماده ۱۱ دستورالعمل اتحادیه اروپایی ۲۰۱۴ / ۸۳۳)

#### تأثیر تحریم‌ها بر طرفین قرارداد

اغلب، بررسی تأثیر اولیه تحریم‌ها بر روی طرفین، آسان می‌باشد. تحریم‌ها خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم ایفای تعهدات قراردادی را دشوار، غیر سود آور یا حتی غیرممکن می‌سازد. طرفی که به دنبال داوری یک چنین اختلافی است می‌تواند از سوی یک نهاد داوری ملتزم شود تا اطلاعات اضافی را فراتر از آن چه که معمولاً مورد نیاز است؛ ارایه نماید. برای نمونه، اتاق بازرگانی بین‌المللی (I.C.C) ممکن است از طرفین قرارداد تقاضا کند تا اطلاعات اضافی را در مواردی ارایه نمایند که:

۱. یکی از طرفین تحت نظام تحریم‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی قرار گرفته است؛
  ۲. یکی از نهادهای وابسته به یکی از طرفین قرارداد، در فهرست تحریم‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی قرار گرفته است؛
  ۳. موضوع مورد نظر در حدود موضوعی نظام تحریم‌های اقتصادی و تجاری بین‌المللی قرار می‌گیرد؛
  ۴. طرفین بخواهند تا یک داور، میانجی گر یا کارشناس از کشور مورد تحریم انتخاب نمایند.
- هم چنین ممکن است تعهد به ارائه اطلاعات قبل از ارائه درخواست ارجاع به داوری بر عهده طرفین اختلاف باشد در صورتی که هیچ گونه تردیدی در ارتباط با اعمال تحریم‌ها نداشته باشند به ویژه اطلاعات مربوط به:
۱. هویت طرفین با اطلاعات دیگری راجع به مالکیت نهایی طرفین بر نهادهای مورد تحریم بین‌المللی
  ۲. هویت و مشخصات تمامی نهادهایی که در اختلافات بین طرفین مدنظر می‌باشند. (Ashford, 2014: 126)
- این موارد به ویژه در زمانی اعمال می‌شود که موضوع اختلاف طرفین در زمینه ادوات نظامی یا کالاهای با ماهیت کاربرد دوگانه می‌باشد و قواعدی در ارتباط با مسدود نمودن دارایی و تحریم‌های مالی بین‌المللی نسبت به آنها اعمال می‌گردد.

علاوه بر مصائب و مشکلات دیگر، تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند چالش‌های عملی قابل توجهی بر امکان حضور و مشارکت یکی از اصحاب دعوی در جریان داوری بین‌المللی ایجاد نماید از جمله همان گونه که در مقاله مشترکی که اخیراً از سوی اتاق تجاری بین‌المللی و چندین نهاد بین‌المللی در ارتباط با تأثیر بالقوه تحریم‌های اتحادیه اروپایی بر علیه روسیه بر داوری بین‌المللی که از سوی نهادهای مستقر در اتحادیه اروپایی اداره می‌شوند؛ منتشر گردید، طرفین اختلافی که با این چنین وضعیتی مواجه می‌شوند؛ ملزم گشته اند تا از مقامات صالح اتحادیه اروپایی، درخواست چندین استثناء بر اساس قوانین موضوعه را نمایند.

این وضعیت به ویژه در قراردادهای چندجانبه و وضعیت های جوینت ونتچر که در آنها اولاً یکی از طرفین قرارداد یا جوینت ونتچر، تحت تحریم‌های بین‌المللی است یا ثانیاً اعضای مختلف جوینت ونتچر، در تأمین مالی فرآیند داوری دچار تحریم بین‌المللی شده‌اند؛ پیچیده تر می‌گردد.

### تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر نهادهای داوری

هم چنان که شواهد نشان می‌دهند زمان مورد نیاز برای انطباق با التزامات تحریم‌های بین‌المللی برای یک نهاد داوری بین‌المللی و ارزیابی و توجه به در معرض تحریم قرار گرفتن یکی از طرفین دعوا، می‌تواند بسیار مهم باشد. از این رو، طرفین می‌تواند با ماه ها تاخیر در آغاز فرآیند داوری بین‌المللی در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی مواجه شوند به ویژه در مواردی که دامنه تحریم‌ها یا کنترل بر نهادهای تحت تحریم‌ها در طول زمان دچار تغییر شود. به علاوه، همان گونه که از سوی اتاق بازرگانی بین‌المللی در وب سایتش بیان شده، در جایی که خدمات بانک های بین‌المللی در حمایت مالی از داوری لازم می‌باشد، این چنین بانک هایی ملزم هستند تا قبل از دریافت هزینه های داوری، سند رسمی مبنی بر عدم پولشویی مقامات تحت تحریم و طرف داوری بین‌المللی صادر نمایند. هم چنین تحریم‌های بین‌المللی ممکن است موجب کاهش روند ارجاعی به یک نهاد داوری خاص و افزایش ارجاع به نهاد

داوری دیگر شود از جمله به دنبال تحریم‌های اخیر یکجانبه اتحادیه اروپایی علیه برخی مقامات روسی، این مقامات اختلافات داوری خود را به نهادهای جدید داوری ارجاع دادند (Knall, 2000: 323). این سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند کارایی نهادهای داوری بین‌المللی نیز تحت الشعاع قرار دهد. این مساله می‌تواند به نوعی به ارتباط قوی بین فعالیت نهادهای داوری و توسعه تجارت بین‌المللی مربوط گردد. دولت‌های وضع‌کننده تحریم‌های بین‌المللی بایستی به حقوق مکتسبه تجار بین‌المللی در زمینه تجارت بین‌المللی احترام گذاشته و به تفکیک فعالیت‌های دولتی و شخصی پرداخته چرا که عدم این چنین تفکیکی، کارایی نهادهای داوری بین‌المللی به عنوان یک نهاد حل و فصل اختلافات بین‌المللی را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

### تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر داوران

نهادهای داوری در نتیجه اعمال تحریم‌های بین‌المللی می‌توانند با نگرانی‌هایی راجع به بی‌طرفی و استقلال مواجه شوند.<sup>۱</sup> قانون مدل آنسیترال در بند یک ماده ۱۱ خود مقرر می‌دهد که هیچ شخصی نمی‌بایستی به دلیل تابعیت خود از اقدام به عنوان داور منع شود مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. از سوی دیگر، بند شش ماده ۲ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مقرر می‌دارد که داور یا رییس یک نهاد داوری می‌بایستی از سوی دادگاهی غیر از دادگاه طرفین اختلاف انتخاب شوند. بند پنج ماده ۲ قواعد داوری بین‌المللی دادگاه داوری لندن مقرر می‌دارد که در انتخاب داوران، دادگاه می‌بایستی تا بدان جا که امکان دارد.

نظر سنجی که اخیراً در یک همایش بین‌المللی داوری در مسکو انجام گرفت نشان می‌دهد که اتباع روسی استفاده‌کننده از داوری بین‌المللی، نگرانی کم‌تری در مورد خود نهادهای داوری داشته و نگرانی بیش‌تر آن‌ها در مورد تغییر رویکرد داوران و نه نهادهای داوری اروپایی است.<sup>۲</sup> این امر از این نگرانی سرچشمه می‌گیرد که ممکن است داوران در کشورهای وضع‌کننده تحریم‌ها مقیم باشند هر چند خود نهاد داوری در کشورهای غیر تحریم‌کننده واقع شده باشد. (Warwas, 2016: 190) این امر در مورد داورانی که تابع کشورهای مورد تحریم بین‌المللی هستند نیز صدق می‌نماید به نحوی که در هنگام صدور رأی خلاف قانون دولت متبوعشان یا در انطباق با تحریم‌های خارجی، با تهدیداتی از سوی دولت متبوعشان مواجه شوند. این موضوع یقیناً، بی‌طرفی و استقلال داوران را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

### تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اجرای آرای داوری

<sup>۱</sup> مصادیق عدم استقلال و بی‌طرفی داوران متعدّدند. بسیاری از نویسندگان داوری تجاری بین‌المللی در تالیفات خود در بحث از استانداردهای استقلال و بی‌طرفی یا جرح داور، با توجه به اختلاف برداشت‌ها در خصوص مصادیق آن در سطح داوری بین‌المللی، تلاش کرده‌اند با بررسی آرای دادگاه‌ها مصادیقی را برای تشخیص استقلال و بی‌طرفی داور بیان کنند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: ۱. داور پرونده خود بودن؛ ۲. وابستگی اقتصادی داور به یکی از طرفین اختلاف و یا وجود رابطه اقتصادی میان داور و یکی از طرفین اختلاف؛ ۳. وجود روابط عاطفی بین داور و یکی از طرفین اختلاف؛ ۴. اظهار عقیده قبلی راجع به موضوع داوری؛ ۵. انتخاب دوباره داور از سوی یکی از طرفین اختلاف به عنوان داور خود در پرونده‌های مختلف؛ ۶. افشاء نکردن تعارضات احتمالی و موضوعاتی که ممکن است موجب تردید در استقلال یا بی‌طرفی داور نسبت به یکی از طرفین اختلاف شود؛ ۷. وجود ارتباط میان داور با شاهد یکی از طرفین پرونده. برای اطلاعات بیش‌تر در این زمینه ن. ک به: خدیری، صالح؛ اصول دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۵۳۶.

<sup>۲</sup> از مارس ۲۰۱۴ میلادی، تحریم‌های متعددی از جمله تحریم‌های مالی و صادراتی / وارداتی در بخش‌های مختلف اقتصادی از سوی اتحادیه اروپایی علیه فدراسیون روسیه در واکنش به الحاق کریمه وضع شده است.

چالش‌هایی و قابل توجه در زمینه تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اجرای آراء داوری بین‌المللی بوده صرف نظر از این که مقر نهاد داوری در کجاست<sup>۱</sup>. بر مبنای قانون مدل آنسیترال که از سوی بسیاری از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است، یکی از دلایل الغای یک رای داوری، تعارض با سیاست عمومی یک دولت می‌باشد. بر همین اساس، شق ب بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک، به یک دادگاه اجازه می‌دهد تا از اجرای یک رای داوری بر مبنای سیاست عمومی خودداری نماید<sup>۲</sup>. از این رو، در صورتی که رای یک نهاد داوری بین‌المللی، تحریم‌های بین‌المللی را دور بزند، در کشوری قابل اجراء نخواهد بود که آن‌ها را اعمال کرده است. از سوی دیگر، در صورتی که رایی در کشور مورد تحریمی مانند روسیه بخواهد اجرایی گردد، دادگاه کشور مزبور می‌تواند به استناد تحریم‌ها، از اجرای رای خودداری نماید (Van Den Herik, 2015:305)

با این حال، مفهوم سیاست عمومی در کنوانسیون نیویورک مشخص نشده است و در این زمینه بایستی به توصیه‌های انجمن حقوق بین‌الملل راجع به اعمال سیاست عمومی به عنوان مبنایی برای رد شناسایی یا اجرای آراء داوری بین‌المللی رجوع نمود که با این که یک سند غیر الزام بوده اما در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد از جمله در تعریف سیاست عمومی اشعار می‌دارد:

۱. اصول اساسی مربوط به عدالت یا اخلاقیات که دولت تمایل دارد تا حتی زمانی که مستقیماً تحت تأثیر قرار نگرفته است؛ از آن حمایت نماید؛

۲. قواعدی که به منظور تحقق منافع سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی دولت وضع شده است؛

۳. تکلیف دولت به احترام به تعهداتش نسبت به دولت‌های دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی.

اگرچه مرزها بین دسته بندی‌های فوق سیاست عمومی، مطلق نبوده و قاعده ای ممکن است در بیش از یک دسته آن قرار بگیرد، آن‌ها می‌توانند در زمان ارزیابی سیاست عمومی خاصی مانند تحریم‌های بین‌المللی مدنظر قرار بگیرند. به عنوان نمونه، یک تحریم تجاری می‌تواند در شرایط مختلف به یک عنوان یک قاعده سیاست عمومی یا تعهد بین‌المللی یک دولت طبقه بندی شود. این که یک تحریم بین‌المللی به چه نحوی طبقه بندی شود نیز تأثیرات و پیامدهای عملی بر اعمال آن دارد.

دسته اول قواعد سیاست عمومی که در فوق اشاره گردید به اصول اساسی استناد می‌دارد که به عدالت یا اخلاقیات مربوط می‌باشد. اصول مزبور، اصل حسن نیت، اصل وفای به عهد و ممنوعیت بر نقض آن حقوق، تبعیض و فعالیت‌هایی است که اجرای با حسن نیت قرارداد را امکان ناپذیر می‌سازد از جمله دزدی دریایی، تروریسم، نسل‌کشی، بردگی و قاچاق مواد مخدر.

<sup>۱</sup> در زمینه تسهیل، اجراء و شناسایی داوری تجاری بین‌المللی، محاکم قضایی داخلی می‌توانند سه نقش عمده ایفاء نمایند: الف) حفاظت از تمامیت و یکپارچگی فرآیند داوری بین‌المللی برای نمونه در صورتی که داوران فراتر از حدود اختیارات خود که از سوی اطراف دعوا بدان‌ها تفویض شده است غ عمل کرده باشند؛ ب) کمک و همکاری و معاضدت به فرآیند داوری تجاری بین‌المللی برای نمونه انتخاب داوران در فقدان توافق بین طرفین و ج) اجبار انطباق با موافقت‌نامه‌های داوری و آراء داوری ای که نهایتاً صادر شده اند. برای اطلاعات بیشتر در این مورد ن. ک به:

<sup>۲</sup> این بند مقرر می‌دارد: ((۲. شناسایی و اجرای یک رای داوری می‌تواند هم‌چنین در صورتی رد شود که مقام صلاح در کشوری که شناسایی و اجراء در آن مطالبه شده است؛ تشخیص دهد که:

ب) شناسایی یا اجرای یک رای برخلاف سیاست عمومی آن کشور باشد.))



در ارتباط با تحریم‌های بین‌المللی، این دسته از اصول اساسی در بسیاری از موارد قابل اعمال نمی‌باشد. با این حال، در نظر گرفتن تحریم‌های تجاری خارجی در مرحله اجرای آزادی دآوری بین‌المللی که برخلاف اصول بنیادین ملی است به نحوی که مقامات صالح قضایی امکان آن را ندارند تا به قوانین خارجی تأثیر ببخشند؛ قابل تحقق است. این وضعیت در موردی است که یک تحریم بین‌المللی و یکجانبه، آشکارا تبعیض آمیز می‌باشد. حتی در چنین وضعیتی، دسته اول قواعد سیاست عمومی از طریق دو دسته دیگر، تأثیر می‌گذارد. هم چنین قابل فرض است که دادگاه اجراء کننده رای دآوری ملتزم به اعمال تحریم‌های برخی کشورها به منظور عدم نقض اصول بنیادین حقوق داخلی خودش شده باشد. برای نمونه، در قضیه راگوزونی، دادگاه انگلیسی ممنوعیت صادرات یک شرکت هندی به آفریقای جنوبی را خارج از قانون قابل اعمال انگلستان تأثیر داده بر این مبنا که صادرات هند برخلاف سیاست عمومی بریتانیا بوده و با قوانین یک دولت دوست در تعارض می‌باشد و به صورت بالقوه به سیاست های تبعیض نژادی آفریقای جنوبی کمک می‌نماید.

دومین دسته از قواعد سیاست عمومی یعنی قواعد آمره، مشهورترین بخش از این دسته قواعد را شامل می‌شوند. قواعد آمره، مقررات الزام آور حقوقی هستند که می‌بایستی صرف نظر از قانونی که بر آن ارتباط حاکمیت می‌یابد، نسبت به یک رابطه بین‌المللی اعمال شود. در این راستا، قواعد آمره حقوقی، کارکرد مثبت دارد و به جای یا در کنار قانون قابل اعمال، اعمال می‌شوند.

بحثی در این ارتباط وجود دارد که آیا تمامی قواعد آمره یک دولت خاص، بخشی از سیاست عمومی آن دولت را تشکیل می‌دهد یا نه. به درستی می‌توان استدلال نمود که برخی از قواعد است که می‌تواند از سوی دادگاه ها یا داوران بین‌المللی در وضعیت یک قاعده آمره تلقی شود ولو آن که بخشی از سیاست عمومی یک کشور نباشند از جمله ارزش ها و استانداردهای بنیادین آن کشور. هم چنین می‌توان این سؤال را مطرح نمود که آیا تحریم‌های بین‌المللی حداقل به صورت مستقیم از بنیادین ترین و اساسی ترین ارزش های یک ملت حفاظت می‌نماید یا نه. در پاسخ به این سؤال بایستی گفت که تحریم‌های بین‌المللی در اغلب موارد، صرفاً یک ابزار سیاسی بوده و به منظور اعمال فشار بر کشور مورد تحریم به منشور تحقق اهداف خودخواهانه سیاسی تحریم کننده صورت می‌گیرد. با این حال، ترسیم خطوط بین تحریم‌های با اهداف صرفاً سیاسی و آنهایی که به سیاست عمومی مربوط می‌شوند، برای مقامات قضایی داخلی مثمر ثمر نبوده به این دلیل که این دادگاه‌هایی که استثنای سیاست عمومی را اعمال می‌نمایند، معمولاً به قوانین داخلی خودشان استناد می‌نمایند و تنها نقض قوانین داخلی خودشان را در چارچوب سیاست عمومی مدنظر قرار می‌دهد. در مجموع بایستی تنها قواعد آمره ای را در چارچوب سیاست عمومی مدنظر قرار داد که آن چنان الزام آور هستند که اعمال آن‌ها را در روند دآوری بین‌المللی اجتناب ناپذیر می‌سازد.

سومین دسته از قواعد سیاست عمومی، تعهدات دولت‌ها نسبت به سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی بوده که نقش قابل توجهی در اعمال تحریم‌های بین‌المللی به عنوان سیاست عمومی ایفاء می‌نماید. این دسته نیز بر مانند دسته دوم بر قواعد آمره مبتنی هستند با این حال برخلاف دسته دوم، تعهدات دولت‌ها نسبت به سایر دولت‌ها در این دسته بر حقوق داخلی یک دولت خاص مبتنی نشده بلکه در مقابل بر اقدامات دسته جمعی دولت‌ها، قطعنامه

های فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل متحد یا کنوانسیون‌های بین‌المللی مبتنی شده است. بر مبنای توصیه های انجمن حقوق بین‌الملل در این ارتباط، یکی از نمونه های بارز این نوع، قطعنامه های تحریمی فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بنابراین، به نظر می‌رسد که بر مبنای سند فوق، یک تحریم چند جانبه بین‌المللی می‌تواند بر مبنای استثنای سیاست عمومی قابل اعمال باشد. این تعهد بین‌المللی تنها در صورتی قابل اعمال بوده که تحریم‌ها از سوی کشوری تصویب و اعمال نشده باشد که رد شناسایی یا اجرای رای داور از آن خواسته شده است. به هر حال مواردی وجود داشته است که یک دولت یا سازمان بین‌المللی از جمله اتحادیه اروپایی از اجرای مقتضی تحریم‌های شورای امنیت بازمانده و از این رو ضروری می‌باشد تا به اعمال مستقیم یک تعهد بین‌المللی پرداخت.

### مسائل ماهوی و شکلی اثرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر داوری‌های تجاری بین‌المللی

#### مسائل ماهوی اثرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر داوری تجاری بین‌المللی

#### تحریم‌های بین‌المللی به عنوان محدودیتی بر انتخاب قانون صالح در محاکم داوری تجاری بین‌المللی

همان طور که پیش تر اشاره گردید، تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند در برخی از اوقات در روند داوری تجاری بین‌المللی، قواعد سیاست عمومی یا قواعد الزام آور خارجی محسوب شوند. مفهوم سیاست عمومی و قواعد اجباری در روند داوری‌های تجاری بین‌المللی، یک مساله کاملاً متفاوت از روند شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی است. ماهیت قراردادی و بین‌المللی داوری تجاری موجب شده است که سیاست عمومی و قواعد آمره در جریان داوری‌های تجاری بین‌المللی، شکل متفاوتی به خود بگیرد. برخلاف یک قاضی داخلی که صرفاً به معیار داخلی سیاست عمومی دولت متبوع خود به منظور تشخیص این امر بهره می‌برد که بایستی به یک قانون خارجی تأثیر ببخشد، داور می‌بایستی یک موازنه ظریف بین اراده طرفین از یک سو و منافع داخلی دولت‌های حاکم طرف اختلاف ایجاد نماید.

به هر حال همان گونه که پیرلالیو (۱۹۷۱) خاطر نشان ساخته است: اصول معدودی وجود دارند که در حقوق بین‌الملل خصوصی به طور جهان شمولی مورد پذیرش قرار گرفته اند و به عنوان شروط استاندارد قانون صالح بر قرارداد قابل استناد بوده که بر مبنای آنها، قانون حاکم بر قرارداد، قانونی که از سوی طرفین خواه به صورت صریح یا ضمنی مورد پذیرش قرار گرفته است؛ انتخاب قانون صالح به عنوان اصلی ترین وظیفه داوران تجاری بین‌المللی محسوب می‌گردد. با این حال، اعمال تحریم‌های بین‌المللی در روند داوری‌های تجاری بین‌المللی تحت عنوان یک امر سیاست عمومی به جای قانون قابل اعمال و صالح مورد انتخاب طرفین، محدودیت روشنی بر اصل انتخاب قانون صالح می‌باشد. در صورتی که تحریم‌های بین‌المللی، بخشی از قانون صالح قراردادی بوده و طرفین به صراحت اعمال آن را منع نکرده باشند، داور می‌بایستی به عنوان یک قاعده کلی تحریم‌ها را اعمال نماید. استقلال طرفین در انتخاب قانون صالح می‌بایستی مورد احترام قرار بگیرد. هم چنین به عنوان یک قاعده کلی، داور می‌بایستی از تأثیر بخشی به هر گونه تحریم بین‌المللی و یکجانبه خودداری کرده که بخشی از قانون صالح بر قراردادها نیستند و با استقلال طرفین در انتخاب قانون صالح تناسب ندارد. همان طور که دیوان عالی ایالات متحده در قضیه مشهور میتسوبیشی خاطر نشان ساخته است: محکمه داوری بین‌المللی هیچ گونه تبعیتی از هنجارهای قانونی

دولت‌های خاص نخواهد داشت. (United States Supreme Court, 1985, 2) تنها تبعیتی که بایستی شود، اراده طرفین می‌باشد. یک داور برخلاف قضات داخلی هیچ‌گونه محمولی نداشته تا برخی محدودیت‌ها را بر انتخاب قانون ماهوی از سوی طرفین وضع نماید.

### اصل تفکیک پذیری داور پذیری

شایسته است خاطر نشان نماییم که در صورتی که در اثر اعمال تحریم‌های بین‌المللی، قرارداد متنازع فیه، قابل فسخ یا غیر قابل اجراء تشخیص داده شود؛ شرط ارجاع به داوری مندرج در قرارداد اصلی هم چنان موثر می‌ماند و به این اصل، اصل تفکیک پذیری داور پذیری از قرارداد اصلی اطلاق می‌شود. دیدگاه مشهور در مورد تفکیک پذیری داور پذیری آن است که شرط ارجاع به داوری، یک توافق جداگانه بوده که علی‌رغم قابل فسخ یا غیر قابل اجراء بودن قرارداد اصلی، هم چنان موثر باقی مانده است. این موضوع در بند ۲ ماده ۲۳ قواعد داوری دادگاه داوری لندن (۲۰۱۴) و در قوانین داوری شماری از کشورها از جمله انگلستان پیش بینی شده است.

### ارزیابی خسارات:

یکی دیگر از مسائلی که ممکن است در فرآیند داوری تجاری بین‌المللی تحریم‌های بین‌المللی حادث گردد آن است که طرف متضرر ممکن است که استدلال نماید به واسطه اعمال تحریم‌های بین‌المللی، از خسارات قراردادی و غیرقراردادی متضرر شده و از این رو، درخواست ارزیابی خسارات را از محکمه داوری نماید. این ادعا بدین شکل مطرح می‌گردد که طرف متضرر ادعا می‌نماید در صورت عدم اعمال تحریم‌های بین‌المللی، سود قابل توجهی از ایفای تعهد قراردادی طرف مقابل عاید او شده و در نتیجه اعمال تحریم‌ها، وضعیت اقتصادی کسب و کار و پیشه او با دشواری و ضرر هنگفتی مواجه شده است. در این صورت محکمه داوری بایستی به ارزیابی خسارات موجود بپردازد.

### مسائل شکلی اثر گذاری تحریم‌های بین‌المللی بر داوری تجاری بین‌المللی

یک نظام تحریمی بین‌المللی می‌تواند به چندین شکل به ماهیت دعوای ارجاعی به داوری تجاری بین‌المللی مربوط گردد. این موارد، شامل آن می‌شود که یک طرف به دنبال استناد به تحریم‌ها به عنوان یک امر تعلیق کننده یا معاف کننده ایفای تعهداتش طبق قرارداد می‌باشد. یک طرف دعوای نیز می‌تواند به دنبال این استدلال باشد که تحریم‌های بین‌المللی به منظور تقلیل مسئولیت خسارات وی نسبت به طرف مقابل اعمال شود. قطعاً هر داوری تجاری بین‌المللی، یک طرف ایفاء نکننده تعهدات به دلیل تحریم‌ها دارد به عبارتی همواره در روند داوری‌های تجاری بین‌المللی، یک طرف وجود دارد که مدعی است تعهدات قراردادی خود را به دلیل تحریم‌های بین‌المللی انجام نداده است. در این بخش، به استدلالات احتمالی این طرف و روایی و قابل پذیرش بودن آن‌ها می‌پردازیم.

### دکترین فسخ در نظام حقوقی کامان لا

تعهدات یک قرارداد که تحت الشمول حقوق انگلستان قرار گرفته است می‌تواند بر مبنای دکترین فسخ در صورتی ایفاء نشوند که اثبات شود که یک حادثه پیش بینی نشده، اجرای تعهدات قراردادی را غیر ممکن ساخته یا آن تعهدات را به شکلی بسیار متفاوت درآورده است. با این حال، امروزه در روند داوری تجاری بین‌المللی، استناد به

تحریم‌های بین‌المللی به عنوان یک حادثه غیر قابل پیش بینی دشوارتر به نظر می‌رسد. رویه داوری اخیر در محاکم داوری انگلستان نشان داده است که تحریم‌های بین‌المللی در مواردی که امکان اخذ مجوزهای مخصوص برای ایفای تعهدات قراردادی در مقابل کشور یا اشخاص تحریم شده وجود دارد و هم چنین در مواردی که بتوان اعمال تحریم‌ها را پیش بینی نمود؛ به عنوان یک حادثه غیر قابل پیش بینی پذیرفته نشده و از این رو، موجب فسخ قراردادها نشده است. مفهوم مخالف این عبارت آن است که برای این که یک نظام تحریمی منجر به فسخ یک قرارداد شود می‌بایستی تحصیل مجوزهای مخصوص برای ایفای تعهدات قراردادی از سوی مقامات دولتی امکان پذیر نبوده و اعمال تحریم‌ها نیز برای متعهد قابل پیش بینی نباشد.

### دکترین مانعیت و دشواری

در کشورهای تابع نظام حقوقی رمی - ژرمنی، مفاهیم مشابه با دکترین فسخ در نظام‌های حقوقی تابع کامان لا وجود دارد. مقررات دشواری در ایفای تعهدات قراردادی در نظام‌های حقوقی رمی - ژرمنی در صورتی می‌تواند منجر به معافیت متعهد از ایفای تعهدات خود گردد که ایفای تعهدات قراردادی با مانع تحریم‌ها مواجه شده باشد. برای نمونه، ماده ۱۱۹ قانون تعهدات سوییس مقرر می‌نماید که تعهد در صورتی از بین رفته تلقی می‌شود که ایفای آن به موجب شرایطی که قابل انتساب به متعهد نیست؛ غیرممکن گردد. هم چنین بند یک ماده ۷۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالاها - که هم از سوی کشورهای تابع نظام رمی - ژرمنی و هم نظام حقوقی کامان لا پذیرفته شده است - مقرر می‌دارد که یک طرف قرارداد در صورتی در مقابل عدم ایفای قرارداد، مسئول نمی‌باشد که اثبات نماید که عدم ایفای قرارداد وی، به واسطه مانعی بوده است که فراتر از کنترل او بوده است به نحوی که وی نمی‌توانسته است انتظار معقولی از در نظر داشتن آن مانع در زمان انعقاد قرارداد داشته باشد یا از پیامدهای آن اجتناب نموده یا بر آن غلبه نماید.

### فورس ماژور

شرط فورس ماژور معمولاً از تأثیر تعلیق ایفای تعهدات قراردادی یا معاف کردن طرف ایفاء نکرده تعهدات خود از مسئولیت در شرایطی برخوردار است که حادثه غیر قابل پیش بینی رخ داده و مانع از این گردد که تعهدات ایفاء گردد. تعلیق یا معافیت از مسئولیت می‌تواند اثر موقت یا دائمی داشته باشد و در صورتی که حادثه غیر قابل پیش بینی رخ دهد که برای مدت زمان قابل توجهی بسط پیدا کند، این امر می‌تواند طرف متضرر را به لغو قرارداد یا باقی نگه داشتن آن با شرایط موجود وا بدارد. استناد به فورس ماژور به مفاد توافق شده قراردادی طرفین بستگی دارد. این که آیا وضع تحریم‌ها، یک حادثه غیر قابل پیش بینی تلقی می‌شود یا نه اساساً به عبارت پردازی شرط فورس ماژور در قرارداد بستگی دارد. اغلب اوقات، شرط فورس ماژور صراحتاً به تحریم‌ها به عنوان مبنایی برای ادعای یک حادثه غیر قابل پیش بینی استناد می‌کند

مجدداً بایستی گفت که طرفی که به شرط فورس ماژور استناد می‌نماید بایستی اثبات نماید که هیچ گونه گام معقولی به منظور کاهش یا اجتناب از تأثیرات و پیامدهای حادثه غیر قابل پیش بینی وجود ندارد از جمله در مورد تحریم‌های بین‌المللی، می‌توان به امکان یا عدم امکان اخذ مجوزهای مخصوص برای دور زدن تحریم‌ها از سوی دولت تحریم کننده اشاره ساخت.

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

تحریم‌های بین‌المللی به پنج صورت بر داوری تجاری بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. تحریم‌ها می‌توانند بسته به ماهیت و حقوق حاکم قراردادی شان، مقررات خاصی از جمله فورس ماژور را مدنظر قرار داده و دکتین‌هایی چون حق فسخ برای طرف متضرر را برانگیزند و به این شکل بر حقوق قراردادهای تأثیر بگذارند. تحریم‌ها خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم ایفای تعهدات قراردادی را دشوار، غیر سود آور یا حتی غیرممکن می‌سازد و به این شکل بر طرفین قرارداد تأثیر بگذارد. طرفی که به دنبال داوری یک چنین اختلافی است می‌تواند از سوی یک نهاد داوری ملتزم شود تا اطلاعات اضافی را فراتر از آن چه که معمولاً مورد نیاز است؛ ارایه نماید. نهادهای داوری در نتیجه اعمال تحریم‌های بین‌المللی می‌توانند با نگرانی‌هایی راجع به بی‌طرفی و استقلال مواجه شوند. از جمله قانون مدل آنسیترال در بند یک ماده ۱۱ خود مقرر می‌دهد که هیچ شخصی نمی‌بایستی به دلیل تابعیت خود از اقدام به عنوان داور منع شود مگر در صورتی که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. از سوی دیگر، بند شش ماده ۲ قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی مقرر می‌دارد که داور یا رییس یک نهاد داوری می‌بایستی از سوی دادگاهی غیر از دادگاه طرفین اختلاف انتخاب شوند. بند پنج ماده ۲ قواعد داوری بین‌المللی دادگاه داوری لندن مقرر می‌دارد که در انتخاب داوران، دادگاه می‌بایستی تا بدان جا که امکان دارد. این تأثیرات در حوزه‌های دیگر هم چون اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی نیز مشهود می‌باشد.

مسائل و چالش‌هایی در زمینه تأثیرگذاری تحریم‌های بین‌المللی بر داوری تجاری بین‌المللی به چشم می‌خورد که از جمله آن می‌توان به انتخاب قانون صالح، ارزیابی خسارات و استدلال‌های طرفی که به دلیل وقوع تحریم‌های بین‌المللی، مدعی عدم ایفای تعهدات قراردادی خود است؛ به چشم می‌خورد.

نهایتاً می‌توان گفت که اعمال تحریم‌های یکجانبه، امروزه اصلی‌ترین چالش در زمینه داوری تجاری بین‌المللی است. این نوع تحریم‌ها که در خارج از ساز و کار همکاری بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد؛ عموماً به هدف وادار ساختن دولت یا دولت‌های دیگر به تغییر مواضع و اصول سیاسی شان است امری که بیش‌ترین ضربه را به بخش خصوصی و تجار وارد می‌سازد. هم چنین دولت‌های تحریم‌کننده عموماً تحریم‌ها را به عنوان یک قاعده سیاست عمومی در جریان داوری‌های تجاری بین‌المللی مورد استناد قرار می‌دهند.

### منابع

- Amiri, Amin Pasha, Preparation of International Commercial Arbitration Agreement, Master Thesis, University of Tehran, 2002
- Ashford, Peter, "Handbook on International Commercial Arbitration: Second Edition", Juris Publishing, Inc, 2014
- Bagheri, Mahmood, "International Contracts and National Economic Regulation: Dispute Resolution Through International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 2000
- Khedri, Saleh; Principles of Judgment in International Commercial Arbitration, Quarterly Journal of Private Law Studies, Volume 44, Number 4, Winter 2014,
- Knall, Sara, "The Contemporary Thesaurus of Search Terms and Synonyms", Greenwood Publishing Group, 2000
- Lynch, Katherine, "The Forces of Economic Globalization: Challenges to the Regime of International Commercial Arbitration", Kluwer Law International, 2003

- Tavassoli Naeini, Manouchehr and Badrizadeh, Sima; International Commercial Arbitration in Cyberspace, Journal of Legal Studies, Shiraz University, Volume 6, Number 1, Spring 2014
- Van Den Herik, Larissa, 'Research Handbook on UN Sanctions and International Law', Edward Elgar Publishing, 2015
- Warwas, Barbara Alicja, 'The Liability of Arbitral Institutions: Legitimacy Challenges and Functional Responses', Springer, 2016
- Yazdi, Hamid Reza and Azadi, Yasman; Arbitration Letter and Its Place in International Commercial Arbitration, Quarterly Journal of Private Law Research, Year 3, Issue 11, Summer 2015
- Zare, Mehdi and Salimi, Mohsen; Introduction to Arbitration in International Commercial Lawsuits, Journal of Private and Criminal Law Research, Volume 11, Number 4, Winter 2015